

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

دوری از عترت علیهم السلام

دلیل فدشه در عصمت

۱۶ بهمن ۱۳۸۷

۸ صفر المظفر ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### چکیده سخن؛

در سخنان گذشته آیاتی از قرآن کریم بیان گردید که ظاهر آن سرزنش و اعتراض به رفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف خداوند متعال بود. اهل سنت با تکیه به این آیات، چنین ادعا نمودند که در مورد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می توان احتمال گناه و خطا تصور نمود و گرنه معنی ندارد که خداوند متعال پیامبر خود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مورد سرزنش و عتاب قرار دهد. در پاسخ به این شبهه، کلامی را از حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام، نقل نمودیم. نتیجه این کلام چنین بود که دلیل این گونه سخنان ناروای دانشمندان اهل سنت، بدفهمی و تفسیر غلط آیات می باشد و درک ناقص یا نادرست قرآن موجب خدشه در عصمت معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام گردیده است.

### لزدواج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با زینب بنت جحش

یکی از آیاتی که در جلسه پیشین مورد بحث و بررسی قرار گرفت آیه مبارک

ذیل بود:

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (۱).

به خاطر بیاور زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی، می‌گفتی: همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز، و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی.

آیه فوق یادآور داستان ازدواج پیامبر ﷺ با دختر عمه خود یعنی زینب بنت جحش می‌باشد. پیامبر ﷺ پسر خوانده‌ای به نام زید بن حارثه داشتند. روزی ایشان ﷺ برای انجام کاری به خانه زید آمدند اما زید در خانه حضور نداشت. پیامبر ﷺ متوجه شدند که همسر زید در خانه مشغول استحمام می‌باشد. پیامبر ﷺ به یاد سخن مشرکین افتادند، آنان چنین تصور می‌کردند که خداوند برای خود فرزندان دختری را اختیار کرده است، در اینجا بود که به خاطر منزّه شمردن خداوند، از این‌گونه سخنان ناروا فرمودند:

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَكَ».

منزّه است خداوندی که تو را آفرید.

زمانی که زید به خانه خود برگشت، همسر او گفت: پیامبر ﷺ به منزل ما

آمدند و من مشغول استحمام بودم و پیامبر ﷺ چنان فرمودند. زید تصوّر نمود که پیامبر ﷺ مایل است با همسر او وصلت نمایند لذا خود را به حضور پیامبر ﷺ رسانید و عرض کرد: من قصد دارم همسر خود را طلاق بدهم. پیامبر ﷺ زید را نصیحت نموده و فرمودند: زن خود را حفظ کن و او را طلاق نده. ایشان ﷺ طبق خبری که از خداوند متعال دریافت نموده بودند، می‌دانستند که روزی با همسر زید ازدواج خواهد نمود ولی به خاطر سخنان ناروای مشرکین از اظهار این مطلب بیم و هراس داشتند که آیه نازل شد و خداوند به پیامبر ﷺ دستور داد که تو نباید از مردم بترسی بلکه باید در انجام دستورها و فرامین ما مصمّم و پا برجا باشی.

نزول این آیه شریف برای دفع توهم و شبهه‌ای بود که از زمان پیش از اسلام بین مردم رواج پیدا کرده بود. مردم چنین می‌پنداشتند که ازدواج با همسر فرزند خوانده، همانند ازدواج با همسر فرزند حرام می‌باشد. خداوند متعال، پیامبر ﷺ خود را به این ازدواج امر فرمود، تا این توهم از اذهان مردم پاک شود. به همین دلیل این آیه شریف، برخلاف آنچه اهل سنت ادّعا می‌کنند، هرگز از شأن و منزلت پیامبر ﷺ نمی‌کاهد.

### تحلیل و بررسی آیات آغازین سوره عبس

دیگر استناد اهل سنت برای محدود ساختن عصمت رسول اکرم ﷺ آیات آغازین سوره عبس می‌باشد. خداوند متعال در این آیات می‌فرماید:

﴿ عَبَسَ وَتَوَلَّى \* أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى \* وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى \* أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى ﴾ (۱).

چهره درهم کشید و روی برتافت \* از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود \* تو چه می‌دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند \* یا متذکر گردد و این تذکر به حال او مفید باشد.

اهل سنت چنین بیان می‌کنند که طبق ظاهر این آیه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دچار اشتباه و گناه شدند لذا خداوند متعال ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مورد اعتراض و مؤاخذه قرار داد. داستان چنین است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با عده‌ای از سران قریش در مجلسی مشغول گفتگو بودند. در آن هنگام فردی مستمند و نابینا وارد مجلس شد، ولی با صورت درهم کشیده و گرفته پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مواجه شد، گویا ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با این حرکت به آن مرد اعتراض کردند که چرا در مجلسی که جایگاه اشراف و ثروتمندان قریش است وارد شده‌ای و چنین مجلسی در شأن و منزلت فردی مستمند و نابینا نمی‌باشد (۲).

تمام علمای شیعه و اهل دقت با چنین تفسیری به مخالفت برخاسته‌اند. به این دلیل که، در شرع مقدس اسلام قواعدی مسلم و خدشه‌ناپذیر موجود است (مانند عصمت انبیاء و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام) هر روایتی در مرحله اول به این قواعد عرضه می‌گردد و اگر با این قواعد موافقت داشت به ظاهر آن عمل می‌شود و الا اگر با

۱- سوره عبس، آیات ۴ - ۱.

۲- از منابع اهل سنت: الدر المنتور، جلد ۶ صفحه ۵۱۷ و تفسیر فخر رازی، جلد ۳۱ صفحه ۵۵.

این قواعد مخالفت آشکار داشت آن روایت را یا باید توجیه، تأویل و تفسیر کنیم و یا اینکه اگر هیچ کدام از این سه مورد جواب نداد باید آن را طرح کرده و به آن عمل نکنیم. مثلاً در روایاتی به انبیاء علیهم السلام، دروغ، شراب خواری و زنا نسبت داده شده است، آنچه که عقل و نقل آن را تأیید می‌کند این است که انبیاء علیهم السلام نمی‌توانند در حالی که به این مقام و منزلت نائل شده‌اند دچار چنین گناهایی بشوند، پس به طور قطع این گونه روایات از درجه اعتبار ساقط می‌شود. اما در مورد آیات قرآن که ظاهر آن دارای مطالبی باشد که با اصول مسلم سازگار نیست قطعاً تنها راه ممکن توجیه و تفسیر آن آیات می‌باشد.

### نقد اهل سنت با توجه به آیات

برای روشن شدن مطلب چند نمونه از آیات قرآن را در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اخلاقیات ایشان نقل می‌کنیم.

خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾<sup>(۱)</sup>.

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

خداوند متعال به پیامبر خود دستور می‌دهد:

﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup>.

و بال عطف خود را برای مؤمنین فرود آر.

۱ - سوره قلم، آیه ۴.

۲ - سوره حجر، آیه ۸۸.

همچنین در آیه‌ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.

این چنین تعبیراتی مانند اخلاق برجسته و ... تنها در مورد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان شده است، تا جایی که خداوند متعال دنیا را حقیر و پست می‌داند و می‌فرماید:

﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلَمُونَ فَتِيلًا﴾<sup>(۲)</sup>.

به آنها بگو: سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است. و سرای آخرت برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است. و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی به شما ستم نخواهد شد.

آیا این ادعا که پیامبری که خداوند متعال خُلق او را عظیم می‌شمارد در برابر مؤمن و فقیری روی گردان شده و رو ترش کند، عاقلانه است؟

طبق نقل روایات نام این مرد نابینا «ابن ام‌مکتوم» می‌باشد و او یکی از مؤمنین و پیروان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محسوب می‌شد. پیامبری که مأمور است با مؤمنین و تابعین با مهربانی و عطوفت برخورد نماید و متواضع باشد آیا سزاوار است در حق چنین پیامبری ادعا کنیم فرمان خداوند متعال را زیر پا گذاشته و بر خلاف دستور او با «ابن ام‌مکتوم» با تکبر و فخر فروشی برخورد کرده است؟ این‌گونه سخن گفتن و توهّم حتّی در مورد افراد عادی و سرشناس جامعه

۱ - سوره شعرا، آیه ۲۱۵.

۲ - سوره نساء، آیه ۷۷.



پسندیده نیست به این معنی که اگر فرد سرشناس و آبرومندی در مجلسی حضور داشت مردم از او انتظار دارند که به تمام افرادی که وارد مجلس می‌شوند احترام بگذارد لذا کم‌اعتنایی او را نسبت به افراد نوعی تکبر و فخر فروشی دانسته و او را مورد سرزنش و ملامت قرار می‌دهند.

پیامبر ﷺ در مقابل افرادی که به ایشان جسارت و فحاشی نموده یا خاکستر بر سر ایشان ریخته یا سنگ به پای ایشان زده و ... با نهایت خضوع و تواضع برخورد می‌کردند. آیا درست است که ادعا کنیم چنین پیامبری با این همه فضایل و ملکات پسندیده اخلاقی، مؤمنی را مورد بی‌اعتنایی و تکبر خود قرار دهد؟

### نظریه شیعه

علمای شیعه مانند سیدمرتضی<sup>(۱)</sup> و مؤلف تفسیر مجمع‌البیان، شیخ طبرسی<sup>(۲)</sup> می‌گویند<sup>(۲)</sup> چنین سخنی درست نیست چون در آیه شریف هیچ تصریحی موجود نیست تا مشخص کند این آیه مربوط به کیست، پس چگونه اهل سنت ادعا می‌کنند شأن نزول این آیه پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد؟

همچنین در تفسیر نور الثقلین و مجمع‌البیان روایتی نقل شده است که شأن نزول این آیه شریف را شخصی غیر از پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌نماید.

«قال الصادق عليه السلام: إنَّها نزلت في رجل من بني امية، كان عند النبي فجاءه ابن ام مكتوم فلما رآه تقدر منه وعبس وجمع نفسه وأعرض

۱ - تنزیه الانبیاء، صفحه ۱۶۶.

۲ - تفسیر مجمع‌البیان، جلد ۶ صفحه ۳۶.

بوجهه عنه فحکی الله سبحانه ذلك وأنكره عليه»<sup>(۱)</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در مورد مردی از بنی امیه نازل شده است. این مرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که ابن ام مکتوم وارد مجلس شد. آن مرد زمانی که ابن ام مکتوم را دید، چهره درهم کشید و از او روی گردان شد، پس خداوند متعال این مطلب را حکایت کرد و آن را عملی ناروا دانست.

### نقد نظر اهل سنت

به آیاتی که اهل سنت آنها را نقل نموده و به آن استدلال می‌کنند تا ثابت کنند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و انبیاء علیهم السلام نیز مانند مردم عادی مرتکب گناه و اشتباه می‌شوند، سه پاسخ عمده می‌توان ارائه نمود.

#### پاسخ اول

این پاسخ همان است که در سخنان پیشین به آن اشاره نمودیم و روایتی را از حضرت امام رضا علیه السلام در تأیید آن نقل کردیم، و گفته شد تفسیرهایی از این دست که در آن به انبیاء علیهم السلام نسبت گناه و اشتباه داده شده است چیزی به غیر از درک ناقص یا نادرست از آیات نمی‌باشد، و دلیل آن دوری از خانه وحی و تفسیر به رأی می‌باشد. به همین دلیل حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»<sup>(۲)</sup>.

۱ - تفسیر نور الثقلین، جلد ۵ صفحه ۵۰۹ و تفسیر مجمع البیان، جلد ۶ صفحه ۳۶.

۲ - کافی، جلد ۸ صفحه ۳۱۲ و وسایل الشیعه، جلد ۲۷ صفحه ۱۸۵.

به درستی که فقط مخاطبان قرآن [پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم السلام] به قرآن آشنا و آگاه هستند .

اگر دست خود را از دامان اهل بیت علیهم السلام جدا کنیم و از آنها دور شویم، حتی از اتهام شرک به انبیاء علیهم السلام ترس و واهمه‌ای نخواهیم داشت، چنانکه به آدم و حوّا نیز نسبت شرک داده شد. اما بنابر نظر حضرت امام رضا علیه السلام ضمیر تثنیه (موجود در آیه مورد استناد) به دو صنف مذکر و مؤنث برگشت می‌کند<sup>(۱)</sup> هم چنان که تا به الآن فرزندان آدم و حوّا به دو گروه مؤمن و مشرک تقسیم شده‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: هیچ آیه‌ای از آیات قرآن نازل نشده مگر اینکه من می‌دانم چه زمانی نازل شده، به چه منظوری نازل شده، در چه مکانی نازل شده، ناسخ و منسوخ آیات چیست و محکم و متشابه آیات چیست<sup>(۲)</sup>. پس به حکم عقل باید در تفسیر و تأویل آیات به آنها علیهم السلام متوسّل شده و علوم و معارف اسلام را از آنان علیهم السلام دریافت نماییم.

### پاسخ دوم

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ نَبِيَّهٖ بِآيَاتِكَ أَعْنِي وَاسْمِعِي يَا جَارَهٗ»<sup>(۳)</sup>.

خداوند پیامبرش را به [شیوه] تو می‌گویم و همسایه بشنود فرستاده است.

۱- الاحتجاج، صفحه ۴۲۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به جزوه شماره ۷۹.  
۲- بحار الأنوار، جلد ۱ صفحه ۱۸۶ و از منابع اهل سنت المواقب، جلد ۳ صفحه ۴۲۷.  
۳- بحار الأنوار، جلد ۹ صفحه ۲۲۲ و تفسیر نور الثقلین، جلد ۴ صفحه ۱۴۷.

تعبیراتی که در آیات قرآن به کار رفته و از آنها احتمال گناه و اشتباه در انبیاء علیهم السلام برداشت می‌شود، می‌تواند از این باب باشد. چنانکه در زبان فارسی گفته می‌شود: به در می‌گوییم تا دیوار بشنود.

برای توضیح بیشتر در مورد این‌گونه سخن گفتن خداوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیامبران علیهم السلام آیاتی را ذکر می‌کنیم. خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ﴾<sup>(۱)</sup>.

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده.

قطعاً خداوند متعال از این بیان هدفی را پی‌گیری می‌کرده و منظور از این آیه افراد دیگری بوده‌اند. زیرا متصور نیست پیامبری که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و منادی توحید است، از راه توحید و وحدانیت منحرف شود. این آیه متوجه اعمال و رفتار امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد ولی چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسئولیت هدایت و نگرهبانی این امت را به عهده دارند، خداوند متعال خطاب را متوجه ایشان می‌سازد. مانند این خطابات به انبیاء عظام علیهم السلام در آیات قرآن کریم فراوان یافت می‌شود. خداوند متعال خطاب به حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَلَمْ أَنْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ

۱ - سوره اسرا، آیه ۲۲.

الْغُيُوبِ \* مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ \* إِنَّ تَعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ وَإِنْ تَعْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١﴾.

و آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می‌گوید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟ او می‌گوید: منزه‌ی تو من حق ندارم آنچه را که شایسته‌ی من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم تو می‌دانی، تو از آنچه در روح و جان من است آگاهی، و من از آنچه در ذات پاک توست آگاه نیستم به یقین تو از تمام اسرار و پنهانی‌ها باخبری \* من، جز آنچه من را به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم. به آنها گفتم: خداوندی را پرستید که پروردگار من و پروردگار شماست و تا زمانی که در میان آنها بودم مراقب و گواشان بودم، ولی هنگامی که مرا از میان شان برگرفتی تو خود مراقب آنها بودی، و تو بر هر چیز گواهی \* با این حال اگر آنها را مجازات کنی بندگان تواند. و اگر آنان را ببخشی توانا و حکیمی \* خداوند می‌گوید: امروز،

روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می‌بخشد برای آنها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر درختان آن می‌گذرد، و تا ابد جاودانه در آن می‌مانند هم خداوند از آنها خوشنود است و هم آنها از خدا خوشنودند، این رستگاری بزرگ است.

سزاوار است برای روشن شدن مطلب، در این آیات دقت و تفکر فراوانی صورت بگیرد. بعد از حدود دو هزار سال، برای انسان‌ها مشکل است که بپذیرند حضرت عیسی علیه السلام که پیامبر اولوالعزم و مورد توجه خاص خداوند متعال بوده، مردم را از دعوت به خداشناسی منحرف کرده و به سوی پرستش خود دعوت نماید. آیا با عقاید و قواعد سازگار است که ادعا کنیم سؤال خداوند متعال برای فهمیدن است؟ آیا خداوند از اسرار دل حضرت عیسی علیه السلام واقف نبوده که از او سؤال می‌کند؟

سید محمد علی باب شخصی بی سواد بود که از عقاید و افکار مردم سوء استفاده کرد و خود را به عنوان مرجع تقلید معرفی نمود. وقتی با استقبال پرشور مردم مواجه شد، گفت: من نایب عام امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) نیستم بلکه نایب خاص می‌باشم. تا جایی که خود را امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و بعد هم خدا معرفی نمود.

آیا می‌توان ادعا نمود که حضرت عیسی علیه السلام مانند محمد علی باب از عقاید و استقبال مردم سوء استفاده کرده و خود را خدا معرفی کند؟

همان طور که قبلاً ذکر گردید چون انبیاء علیهم السلام مسئولیت هدایت و نگرهبانی

امت را به عهده دارند، خداوند هم این گونه خطابات را متوجه خود انبیاء می‌کند تا شاید امت آنها متنبّه و بیدار شوند. شاهد بر این مطلب آیاتی از قرآن کریم است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾<sup>(۱)</sup>.

به یاد آورید روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

بر هر امتی، رسولی است هنگامی که رسول شان به سوی آنان بیاید به عدالت در میان آنها داوری می‌شود و ستمی به آنها نخواهد شد.

وقتی این دو آیه را در کنار آیات گفتگوی خداوند متعال با حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام قرار می‌دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که تمام این خطابات مربوط به روز قیامت می‌باشد و گویا با این گونه خطابات است که مردم به اعمال و رفتار خود آگاه می‌شوند. پس هرگز نمی‌توان ادعا کرد که این گونه خطابات متوجه شخص پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد.

### پاسخ سوم

ایمان، علم و هدایت دارای مراتب و درجات می‌باشد. این گونه خطابات جهت برانگیختن انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام برای دستیابی به اعلی درجات کمال می‌باشد. فضایل و

۱ - سوره اسراء، آیه ۷۱.

۲ - سوره یونس، آیه ۴۷.

ملکات اخلاقی مانند نور و روشنایی بوده و از مقولات مشکک و دارای مراتب، محسوب می‌شوند. مثلاً به روشنایی شمع، روشنایی ماه، روشنایی خورشید و ... نور گفته می‌شود ولی آیا این نورها با یکدیگر مساوی هستند؟ قطعاً هر کدام دارای درجه و رتبه‌ای است که با دیگری تفاوت دارد. تمام انبیاء علیهم‌السلام دارای فضایل و ملکات اخلاقی والا می‌باشند، اما خداوند متعال آنان را ترغیب می‌کند تا به اعلی درجه کمال دست یابند. لذا خداوند متعال در قرآن کریم مکرراً از لفاظی همچون افزونی ایمان، علم، هدایت و سخن به میان آورده است.

خداوند متعال در مورد هدایت می‌فرماید:

﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا﴾<sup>(۱)</sup>.

اما کسانی که در راه هدایت گام نهند، خداوند بر هدایت شان می‌افزاید. و آثار شایسته‌ای که از انسان باقی می‌ماند ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوب‌تر است.

مانند این که خداوند متعال شخصی را چنان هدایت فرموده که هیچ شبهه‌ای نمی‌تواند او را از پای در آورد و حتی در برابر شبهات مادیین به راحتی ایستادگی می‌کند، اما اگر کسی در لباس دین و خیر خواهی شبهه‌ای را مطرح کند فرد مؤمن نمی‌تواند مقاومت کند در اینجاست که خداوند متعال دست او را گرفته و بر هدایتش می‌افزاید. نتیجه این می‌شود که هدایت دارای درجه و مراتب می‌باشد.

۱ - سورهٔ مریم، آیه ۷۶.



همچنین خداوند متعال در مورد ایمان می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾<sup>(۱)</sup>.

اما مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند. و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

حضرت امام صادق علیه السلام نیز در مورد ایمان می‌فرماید:

«إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرُ دَرَجَاتٍ بِمَنْزِلَةِ السَّلَامِ»<sup>(۲)</sup>.

به درستی که ایمان مانند نردبان دارای ده درجه می‌باشد.

حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین انبیای الهی می‌باشد. طبق اخباری<sup>(۳)</sup> که نقل شده است هنگامی که نام یکی از انبیاء الهی برده می‌شود جهت احترام باید اول بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام سلام دهیم و بعد بر انبیاء علیهم السلام به این صورت که بگوییم: «علی نبینا و آله و علیه السلام» ولی هنگام نام بردن از حضرت ابراهیم علیه السلام می‌توانیم فقط بر خود ایشان سلام دهیم و بگوییم: «حضرت ابراهیم علیه السلام». این نکته دلیلی بر عظمت و بزرگواری حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد. اما خود ایشان طبق آیات قرآن کریم اعتراف می‌کنند که

۱ - سوره احزاب، آیه ۲۲.

۲ - الکافی، جلد ۲ صفحه ۴۵.

۳ - امالی صدوق علیه السلام، صفحه ۴۶۳، العروة الوثقی، جلد ۲ صفحه ۶۲۰ و مجمع البحرین، جلد ۲ صفحه ۵۷۲.

ایمان من هنوز به درجه کمال نرسیده لذا از خداوند سبحان درخواست می‌کند تا با دیدن چگونگی زنده شدن مردگان ایمان خود را تکمیل کرده و به قلب خود آرامش دهد.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولِمُ تُوْمِنَ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

و به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: چرا ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد فرمود: در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن، و آنها را قطعه قطعه کن. سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می‌آیند و بدان خداوند قادر و حکیم است.

تمام آیاتی که ذکر شد این مطلب را قطعی می‌کند که ایمان دارای مراتب و درجات می‌باشد و انبیاء علیهم‌السلام الهی با سعی و کوشش خود قصد دستیابی به بالاترین مرتبه و درجه ایمان را داشته‌اند.  
در جایی دیگر خداوند سبحان می‌فرماید:

۱- سوره بقره، آیه ۲۶۰.

﴿ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴾<sup>(۱)</sup>.

و بگو پروردگارا بر علم من بیفزای.

حتی فضل خداوند دارای مراتب می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ

بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴾<sup>(۲)</sup>.

تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد، و

از فضل خود بر پاداششان بیفزاید، و خداوند به هر کس بخواهد

بی حساب روزی می‌دهد.

در نمازهای روزانه چندین بار پیشانی خود را بر خاک فرود می‌آوریم اما از

دیدگاه قرآن مجید سجده‌ای پسندیده است که بر خشوع انسان بیفزاید یعنی حتی

خضوع و خشوع نیز دارای مراتب می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَيَخْرُونَ لِلذُّقَانِ يَكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴾<sup>(۳)</sup>.

آنها به زمین می‌افتند و گریه می‌کنند و تلاوت این آیات همواره بر

خشوعشان می‌افزاید.

## انسان و هیل به غلو و اغراق‌گویی

سرّ دیگری که از این گونه خطابات و آیات به ذهن می‌آید این است که

۱- سوره طه، آیه ۱۱۴.

۲- سوره نور، آیه ۳۸.

۳- سوره اسرا، آیه ۱۰۹.

انسان‌ها ذاتاً و فطرتاً میل زیادی به غلو و اغراق گویی دارند. مخصوصاً وقتی انسان پاک و امینی را می‌دیدند سریع او را خدا می‌خواندند، ولی خداوند متعال با علم بی پایان خود راه هرگونه غلو و اغراق گویی در مورد انبیاء و امامان علیهم‌السلام را مسدود می‌کند، لذا دائماً در آیات قرآن آنها را مورد خطاب قرار داده و آنها را به انجام کاری ترغیب می‌کند و بدین وسیله به انسان‌ها می‌فهماند که انبیاء علیهم‌السلام انسان‌های عادی مانند شما می‌باشند و از خداوند متعال بی نیاز نمی‌باشند اگر آنها را تالی تلو خداوند می‌دانید سخت در اشتباه می‌باشید.

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هر چه دارای فضیلت و ملکات اخلاقی باشد باز هم عبد خداوند نامیده می‌شود. لذا هر روز و شب در نمازهای روزانه می‌خوانیم «وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

شهادت می‌دهم که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم [بندۀ خدا و فرستاده او می‌باشد. یعنی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با هر مقامی که داشته باشند افتخار ایشان این است که بندۀ خدا می‌باشند و اگر ایشان را خدا دانسته و در مورد ایشان غلو کردید (چنانکه امت عیسی در مورد عیسی علیه‌السلام دچار غلو شدند) سخت در اشتباه می‌باشید. امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز می‌فرمایند:

«يَهْلِكُ فِي رَجُلَانِ: مُحِبِّ مَفْرُطٍ وَبَاهِتٍ مَفْتَرٍ»<sup>(۱)</sup>.

درباره من دو گروه به هلاکت افتادند: گروهی که مرا دوست می‌دارند و در دوستی من مبالغه می‌کنند و گروهی دیگر که من را دشمن می‌دارند و در آن مبالغه می‌نمایند.

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۶۹.

پس این گونه خطابات برای انبیاء علیهم السلام به این صورت است که آنان را برای کسب درجات بالاتر ترغیب می‌کند و برای انسان‌های معمولی نوعی هشدار است. تا دچار چنین اشتباهات فاحشی نشوند. در روایتی وارد شده است که:

« حسنات الأبرار سیئات المقربین »<sup>(۱)</sup>.

نیکی‌های صالحان، بدی‌های مقربین محسوب می‌شود. اساساً انتظاری که از انبیاء و معصومین علیهم السلام می‌رود مسلماً از انسان‌های معمولی چنین انتظاری نمی‌رود. خداوند متعال از انبیاء علیهم السلام کسب درجات بالاتر را انتظار دارد و اصلاً در شأن آنان نیست که روزی بگذرد ولی پیشرفت نکنند لذا خداوند متعال دائماً آنان را ترغیب می‌کند تا به وظیفه سنگین خود واقف شده و از قافله عقب نمانند.

### استدلالی دیگر از اهل سنت و نقد آن

عده‌ای از علمای اهل سنت، بر این مطلب که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دچار اشتباه و گناه شده است اصرار و پافشاری می‌کنند و برای اثبات این مطلب روایتی را که در باب قضاوت ذکر شده، به عنوان مؤید نقل می‌کنند.

« قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : إنکم لتختصمون لديّ ولعلّ بعضکم ألحن بحجّته، فمن حکمت له بغير حقّه فکأنما قطع له قطعةً من النار »<sup>(۲)</sup>.

شما نزد من نزاع می‌کنید و شاید برخی از شما در اقامه دلیل (برای

۱- بحار الأنوار، جلد ۲۵ صفحه ۲۰۵.

۲- از منابع اهل سنت: کتاب الام، جلد ۱ صفحه ۲۹۷ و صحیح بخاری، جلد ۳ صفحه ۱۶۲.

اثبات ادّعی خود) بیان قوی‌تری داشته باشید، اما اگر من به نفع کسی که حق او نباشد حکم دهم، بدانند که پاره‌ای از آتش را برای او کنار گذاشته‌ام.

اهل سنت بعد از نقل این روایت می‌گویند:

«يجوز أن يغلط في أفعاله فيجوز أن يغلط في أقواله كغيره من المجتهدين»<sup>(۱)</sup>.

احتمال دارد پیامبر ﷺ در افعال و گفتار خود همانند دیگر مجتهدین اشتباه کند.

یعنی پیامبر ﷺ (العیاذ بالله) حکم به باطل می‌کند و این نوع قضاوت، گناه محسوب می‌شود.

#### پاسخ:

اولاً این روایت توسط اهل سنت نقل شده است و باید در مورد صحّت سند آن بررسی‌های لازم صورت بگیرد. ثانیاً بر فرض صحّت سند این روایت در واقع برای قضاوت و حکمرانی میزان و قاعده‌ای تعیین شده است زیرا پیامبر ﷺ در مورد قضاوت می‌فرمایند:

«إنما أقتضي بينكم بالبينات والأيمان»<sup>(۲)</sup>.

من طبق شواهد و سوگند در میان شما قضاوت می‌کنم.

گویا پیامبر ﷺ می‌فرمایند: حکمی صحیح و مقبول است که طبق ضابطه

۱- از منابع اهل سنت: المحصول، جلد ۶ صفحه ۱۷.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۲۷ صفحه ۲۳۲.

و قوانین باشد و در غیر این صورت اگر چه حکم با واقع مطابق باشد، حکم به باطل و حرام می‌باشد. حتی من که پیامبر شما هستم و از اسرار شما آگاهم، حق ندارم طبق علم خود قضاوت کنم، بلکه طبق شواهد و سوگند حکم می‌کنم. برای روشن شدن مطلب به نقل روایتی می‌پردازیم.

حضرت داود علیه السلام در میان پیامبران علیهم السلام معروف به توانایی در قضاوت است. زیرا طبق آیات قرآن از خداوند متعال دستور گرفته بود که بین مردم به قضاوت بپردازد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴾ (۱).

ای داود ما تو را خلیفه در زمین قرار دادیم. پس در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد. کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.

بعد از اینکه حضرت داود علیه السلام از طرف خداوند مأمور به قضاوت شد، به درگاه خداوند عرض کرد:

« يَا رَبِّ أَرْنِي الْحَقَّ كَمَا هُوَ عِنْدَكَ، حَتَّى أَقْضِيَ بِهِ فَقَالَ: إِنَّكَ لَا تَطِيقُ ذَلِكَ فَأَلْحَ عَلَيَّ رَبِّهِ حَتَّى فَعَلَ، فَجَاءَهُ رَجُلٌ يَسْتَعْدِي عَلَيَّ رَجُلًا، فَقَالَ:

۱ - سوره ص، آیه ۲۶.

إِنَّ هَذَا أَخَذَ مَالِي، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُودَ: إِنَّ هَذَا الْمُسْتَعْدِي قَتَلَ أَبَا هَذَا، وَأَخَذَ مَالَهُ فَأَمَرَ دَاوُودَ بِالْمُسْتَعْدِي فَقَتَلَ وَأَخَذَ مَالَهُ، فَدَفَعَ إِلَى الْمُسْتَعْدِي عَلَيْهِ قَالَ: فَعَجِبَ النَّاسُ وَتَحَدَّثُوا حَتَّى بَلَغَ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَدَخَلَ عَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ مَا كَرِهَ فِدَعَا رَبَّهُ أَنْ يَرْفَعَ ذَلِكَ فَفَعَلَ، ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنْ أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ، وَأَضْفَهُمْ إِلَى إِسْمِي يَحْلِفُونَ بِهِ»<sup>(۱)</sup>.

پروردگارا حق را به من بنما تا طبق آن قضاوت کنم. خداوند متعال فرمود: طاقت و توان چنین کاری را نداری، ولی داود علیه السلام به درگاه خداوند متعال اصرار و پافشاری کرد تا اینکه چنین شد. پس مردی که بر مرد دیگری ظلم کرده بود، نزد داود علیه السلام آمد و گفت: این مرد مال من را گرفته است. خداوند متعال به داود وحی کرد: این شخص شاکی، پدر آن مرد را کشته است و مال او را به ظلم برده است. پس داود علیه السلام فرمان داد تا شخص شاکی (مستعدی) را به قتل رسانند و مال او را به شخص دیگر برگردانید. پس مردم از این گونه قضاوت تعجب کرده و سخنان زیادی را بیان کردند. وقتی داود علیه السلام از این سخنان آگاه گردید ناراحت شده، و از خداوند رفع این مطلب را خواستار شد، خداوند متعال این درخواست را پذیرفت. سپس به داود علیه السلام وحی کرد: بین مردم طبق شواهد و قرائن قضاوت کن و مردم را وادار کن که به نام من سوگند یاد کنند.



روایتی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شد، حمل بر این روایت می‌شود و گویا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: من وظیفه دارم تنها طبق شواهد و قرائن قضاوت کنم. لذا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد قاضی و قضاوت فرمودند:

«القضاة أربعة، ثلاثة في النَّار وواحد في الجَنَّة. رجل قضى بجور وهو يعلم فهو في النَّار، ورجل قضى بجور وهو لا يعلم فهو في النَّار، ورجل قضى بالحقّ وهو لا يعلم فهو في النَّار، ورجل قضى بالحقّ وهو يعلم فهو في الجَنَّة»<sup>(۱)</sup>.

قضاوت کنندگان چهار دسته‌اند که سه دسته از آنها در آتش اند و تنها یک دسته بهشتی‌اند. مردی که با علم و آگاهی به ظلم و جور قضاوت می‌کند پس او مستحق آتش است. مردی که بدون علم و آگاهی به ظلم و جور قضاوت می‌کند او نیز مستحق آتش است. مردی که بدون علم و آگاهی به حق و واقع قضاوت می‌کند، او نیز مستحق آتش است. مردی که با علم و آگاهی به حق و حقیقت حکم می‌کند، او داخل بهشت خواهد شد.

انشاء الله در جلسه آینده از زاویه دیگری این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

## خودآزمایی

- ۱) اهل سنت شأن نزول آیه ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ را چه می‌دانند؟
- ۲) با آیات قرآن مجید نظر اهل سنت در رابطه با شأن نزول سوره عبس را نقد نمایید.
- ۳) رفتار رسول الله ﷺ با مخالفان و دشمنانشان چگونه بود؟
- ۴) سید مرتضی رحمته الله علیه و شیخ طبرسی رحمته الله علیه در مورد شأن نزول سوره عبس چه نظری دارند؟
- ۵) امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد آشنایی خود به آیات قرآن مجید چه می‌فرمایند؟
- ۶) حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند سبحان چه درخواستی می‌نمایند؟
- ۷) بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام چه کسانی در رابطه با ایشان هلاک می‌شوند؟
- ۸) رسول الله ﷺ در رابطه با چگونگی قضاوت خود چه می‌فرمایند، با توجه به آن فرمایش پندار اهل سنت را نقد کنید.
- ۹) حضرت داود علیه السلام برای قضاوت از خداوند سبحان چه درخواستی کرد و سرانجام چه اتفاق افتاد؟
- ۱۰) امام صادق علیه السلام قاضیان را به چند دسته تقسیم می‌کنند؟

به سوی معرفت ۸۰

۲۷

پیامبر ﷺ در مقابل افرادی که به ایشان جسارت و فحاشی نموده یا خاکستر بر سر ایشان ریخته یا سنگ به پای ایشان زده و... با نهایت خضوع و تواضع برخورد می‌کردند. آیا درست است که ادعا کنیم چنین پیامبری با این همه فضایل و ملکات پسندیده اخلاقی، مؤمنی را مورد بی‌اعتنایی و تکبر خود قرار دهد؟ علمای شیعه مانند سید مرتضی و مؤلف تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی رحمتهما می‌گویند چنین سخنی درست نیست چون در آیه شریف هیچ تصریحی موجود نیست تا مشخص کند این آیه مربوط به کیست، پس چگونه اهل سنت ادعا می‌کنند شأن نزول این آیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد؟ (صفحه ۹ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمتهما

تلفن : ۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - نما بر : ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

به سوی معرفت ۸۰

۶